

گاهنامه سیاسی بصائر بسیج

ویژه فرماندهان حوزه‌های مقاومت بسیج

۱

موضوع:

- ۱- مقاومت رمز پیروزی مردم غزه در جنگ ۵۱ روزه
- ۲- هدایت و صیانت از دولت یازدهم
- ۳- نقش غرب و آمریکا در به وجود آمدن داعش

معاونت سیاسی

نماینده‌ی ولی فقیه در سازمان بسیج مستضعفین

مهرماه ۱۳۹۳

مقدمه

واقعیت‌های امروز بیانگر آن است که توطئه‌های نظام سلطه از بدو پیروزی انقلاب اسلامی تا کنون بیش از آن که در عرصه سخت بروز و ظهور یافته باشد در عرصه جنگ نرم اتفاق افتاده است؛ چراکه ماهیت این انقلاب و پیام‌های روشنی که برای ملت‌ها دارد، آن را در مرزهای جغرافیایی محصور نمی‌کند و این همان حقیقتی است که حضرت امام خمینی^(ه) از آن به صدور انقلاب و مقام معظم رهبری به عنوان خاصیت پیش‌روندگی یاد کرده‌اند.

در همین راستا معاونت سیاسی سازمان بسیج مستضعفین در راستای وظایف ذاتی خود، از یک‌سو مقابله با توطئه‌های دشمنان قسم‌خورده انقلاب و از سوی دیگر آگاهی‌بخشی و بصیرت‌افزایی سیاسی به هنگام و مؤثر در جهت مصون‌سازی و عمق‌بخشی معنوی و ارتقای سطح پیش سیاسی مخاطبان را سرلوحه کار و تلاش خود قرار داده که مهم‌ترین مبنای شاخص فعالیت‌ها و برنامه‌های آن اصول انقلاب اسلامی، اندیشه‌های حضرت امام^(ره) تدابیر و رهنمودهای مقام معظم رهبری، مراقبت از منافع ملی، مصالح مردم و باورهای ایمانی جامعه تلاش می‌کند. به همین منظور گاهنامه بصائر سیاسی جهت بهره‌برداری تهیه و منتشر می‌شود که ارائه انتقادات و پیشنهادهای سازنده شما موجب تقویت و غنای محتوای گاهنامه خواهد شد.

مقاومت

رمز پیروزی مردم غزه در جنگ ۵۱ روزه

مسعود حسونند

واژه «مقاومت» این روزها به عنوان یکی از پرکاربردترین کلیدواژه‌ها در محافل سیاسی و رسانه‌ای منطقه غرب آسیا محسوب می‌شود؛ به خصوص برای مردمی که در این منطقه اخبار مربوط به جنایات و جنگ‌افروزی‌های رژیم نامشروع صهیونیستی را پیگیری می‌کنند، "سگ‌هار و گرگ درنده‌ای" که در ارتکاب انواع جنایات بشری هیچ محدودیتی برای خود قائل نیست. جنگ ۵۱ روزه غزه بار دیگر ثابت کرد که ریختن خون انسان‌های مظلوم و بی‌گناه از زن و کودک و پیر و جوان تنها هنر این غده سرطانی زاییده استکبار جهانی در قلب دنیای اسلام است. حمله به جمعیت غیر نظامی، استفاده بی‌سابقه از سلاح‌های غیرمتعارف در جنگ، تخریب اماکن غیر نظامی از جمله بیمارستان‌ها، مدارس، منازل مسکونی، مساجد و زیرساخت‌های غیر نظامی از جمله مصادیق بارز نسل‌کشی، جنایات جنگی، تجاوز و جنایت علیه بشریت است که در خلال جنگ از سوی ارتش رژیم صهیونیستی علیه نوار غزه به کار رفت و بر اساس قوانین عرفی حقوقی بین‌المللی که مورد تأیید اکثر کشورهای جهان قرار گرفته و رعایت آن از سوی طرفین درگیر در مخاصمات مسلحانه جنبه الزام‌آور دارد، آمران و مرتکبان این جرائم بر اساس کنوانسیون‌های چهارگانه ژنو ۱۹۴۹، «جنایتکار

جنگی» تلقی می‌شوند. وقوع این جنگ یکی از بزرگ‌ترین اشتباه‌های راهبردی رژیم صهیونیستی بود که به شکست و عدم تحقق اهدافی منجر شد که نتانیاهاو نخست‌وزیر متوهم رژیم صهیونیستی از آغاز جنگ به دنبال آن بود و در نقطه مقابل دستاوردی بزرگ برای مقاومت فلسطین در ایجاد قدرت بازدارندگی و تحمیل شروط اصلی خود در مذاکرات آتش‌بس به همراه داشت.

رژیم صهیونیستی که زمانی شعار در اختیار داشتن ارتش شکست‌ناپذیر و سومین قدرت نظامی جهان را مطرح می‌کرد و در طی جنگ‌های مختلف با اعراب توانسته بود این هیمنه و اقتدار نظامی را در بین کشورهای منطقه نهادینه کند؛ به طوری که تنها در جنگ شش روزه در سال ۱۹۶۷ در نبرد با چهار کشور قدرتمند عربی یعنی مصر، سوریه، اردن و عراق پیروز شد و مساحت سرزمین‌های اشغالی را سه برابر کرد، اما در جنگ ۵۱ روزه و در رویارویی با رزمندگان گروه‌های کوچکی از مقاومت غزه نه تنها نتوانست یک وجب از آن را اشغال نماید، بلکه با بر جای گذاشتن تلفات و خسارات فراوان، تسلیم خواسته‌های مقاومت فلسطینی و پذیرش آتش‌بس شد. ملت مقاوم غزه به خوبی عظمت و معجزه مقاومت را دریافته‌اند و می‌دانند تنها نسخه رهایی از خوی تجاوزگری رژیم کودک کش صهیونیستی توسل به مقاومت است؛ بنابراین تحمل مصائب و آلام از دست دادن عزیزان، ویرانی سرپناه و خانمان و آوارگی برای آنان با توسل به نیروی ایمان سهل و آسان می‌شود و این واقعیت را دقایقی پس از انتشار خبر پذیرفته شدن شروط مقاومت در مذاکرات مصر در خیابان‌های غزه شاهد بودیم که چگونه ملتی که ۵۱ روز تحت شدیدترین و بی‌سابقه‌ترین تهاجم نظامی بودند و در این مدت بیش از ۲۰۰۰ شهید و ۱۱۰۰۰ مجروح تقدیم کردند

و خانه‌های آنان ویران شد با طنین الله‌اکبر و شعارهای حمایت از رزمندگان مقاومت و با برافراشتن عکس‌های شهدا و پرچم‌های مقاومت و فلسطین به جشن و شادی پرداختند تا به دنیا اعلام کنند که پیروز واقعی صحنه نبرد ملتی است که با بهره‌گیری از نیروی ایمان و مقاومت، داغ تجاوز و اشغال‌گری را بر دل دشمن خواهد گذاشت و در مقابل در سرزمین‌های اشغالی انسان‌هایی نگران، آشفته و عصبانی را شاهد بودیم که به تازگی از پناهگاه‌ها خارج شده‌اند و گویی اسرائیل به عزاخانه آنان تبدیل شده است و این دو تصویر به روشنی نمایانگر پیروز واقعی جنگ ۵۱ روزه غزه برای ناظران جهانی است.

- ریشه‌های تهاجم

رژیم صهیونیستی به بهانه ربوده شدن ۳ جوان اسرائیلی در نزدیکی شهرک صهیونیست‌نشین «هبرون» که ساکنان آن به دشمنی با حماس و گروه‌های مقاومت فلسطینی شهرت دارند، بلافاصله انگشت اتهام خود را به سوی حماس گرفت و هیچ‌گونه سندی نیز برای اثبات ادعای خود عنوان نکرد. پس از این خبر، شهرک‌نشینان صهیونیست در منطقه «شعفاط» در قدس به نشانه انتقام، یک نوجوان ۱۷ ساله فلسطینی به نام «محمد ابو خضیر» را ربودند و با ریختن بنزین به داخل دهان وی، او را زنده زنده سوزاندند. انتشار این خبر موجی از خشم را در بین فلسطینیان ساکن کرانه باختری به وجود آورد. این در حالی بود که پس از چند روز اجساد سه جوان اسرائیلی ربوده‌شده توسط نظامیان صهیونیست در همان منطقه پیدا شد و خود پلیس اسرائیل هم اعتراف کرد که حماس نقشی در این قتل‌ها نداشته است. حقیقت آن است که هم نخست‌وزیر رژیم صهیونیستی و

هم «شین بت»^۱ سازمان جاسوسی تل آویو از همان ابتدا از هویت ربایندگان این سه جوان اسراییلی آگاهی داشتند، اما به دلیل داشتن طرح و برنامه قبلی برای تهاجم به نوار غزه نمی توانستند از این فرصت به وجود آمده به سادگی عبور کنند و این حادثه بهانه مناسبی برای حمله به نوار غزه به شمار می آمد. «موشه فیگلین» معاون رییس پارلمان رژیم صهیونیستی در یادداشتی که در پایگاه «عاروتص شوع»^۲ منتشر کرد به صراحت از طرح های خود برای اشغال کامل غزه، یهودی سازی آن و اخراج ساکنان آن پرده برداشت. رژیم صهیونیستی از حمله نظامی به نوار غزه به دنبال اهدافی بود که مهم ترین آنها شامل موارد زیر است:

(۱) شکستن اتحاد فلسطینیان: پس از تشکیل ائتلاف تشکیلات خودگردان فلسطین و حماس و تشکیل «دولت وحدت ملی فلسطین».

(۲) شکستن مقاومت مردم غزه: ایجاد خلل در عزم و اراده آنها برای مقاومت و حمایت از حماس.

(۳) خلع سلاح مقاومت، پایان دادن به موشک پرانی های گروه های مقاومت، تخریب تونل های زیرزمینی و تأمین امنیت ساکنان شهرک های صهیونیستی.

(۴) نابودی مهم ترین جنبش سیاسی سنی که در کنترل آنها نیست.

(۵) تضمین دستیابی به منافع نفتی سواحل غزه: در نزدیکی سواحل غزه منابع غنی نفتی و گازی قرار دارد که هنوز در مراحل اولیه کشف و استخراج است.

(۶) همکاری با مصر در جهت نابودی حماس: کودتای السیسی که پشت پرده از سوی آمریکا و اسراییل حمایت می شد این امکان را مهیا کرد و اسراییل

^۱ Shin Bet

^۲ Arutz Sheva

می دانست که در صورت حمله به غزه از حمایت مصر در جهت سرکوب این منطقه برخوردار خواهد بود؛ زیرا السیسی بر خلاف اخوان المسلمین با حماس دشمنی دارد.

۷) متحد کردن اسرائیل با جامعه یهودی دنیا: هیچ چیز مثل جنگ جامعه اسرائیلی و یهودی را با هم متحد نمی کند.

۸) جلوگیری از گسترش خط فکری انقلاب اسلامی به عنوان پرچمدار گفتمان مقاومت در بین کشورهای منطقه.

– آغاز تهاجم تا آتش بس

عملیات «صخره سخت» ارتش رژیم صهیونیستی در بامداد روز سه شنبه ۱۷ تیرماه (۸ ژوئیه) با بمباران بیش از ۲۰۰ نقطه از نوار غزه توسط جنگنده های صهیونیستی آغاز شد و در مقابل نیز گروه های مقاومت فلسطینی عملیات خود را با عناوین «العصف الماکول» و «بنیان مرصوص» آغاز و بلافاصله ۱۵۰ موشک شامل موشک های دوربرد را به سرزمین های اشغالی پرتاب کردند. رژیم صهیونیستی تهاجم خود را از زمین، هوا و دریا و با بهره گیری از انواع موشک، حملات توپخانه ای، استفاده از سلاح های ممنوعه ای چون بمب های فسفوری و سلاح مخرب «دایم»^۱، با استفاده از تانک های پیشرفته مرکاوا، بالگردهای آپاچی، هواپیماهای شکاری و پهپادهای بمب افکن علیه باریکه غزه گسترش داد، اما موفق به نفوذ و اجرای عملیات اشغال نوار غزه نشد و کشتار غیرنظامیان که عمدتاً

^۱DIME

کودک و زن بودند و همچنین تخریب اماکن غیرنظامی شامل بیمارستان‌ها، مدارس، منازل مسکونی، مساجد و زیرساخت‌های غیر نظامی تنها دستاورد نظامی رژیم صهیونیستی بود و در رسیدن به اهداف نظامی مورد ادعای نتانیاهو از جمله قطع موشک‌پرانی‌ها و از بین بردن تونل‌های زیرزمینی مقاومت و تأمین امنیت ساکنان شهرک‌های صهیونیستی ناکام ماند. در مقابل نیروهای مقاومت فلسطینی توانستند با پرتاب انواع موشک‌های برد بلند برای اولین بار شهرهای مهم رژیم صهیونیستی از جمله حیفا و تل‌آویو و فرودگاه راهبردی "بن‌گورین" را هدف قرار دهند، بسیاری از پروازهای هوایی به این فرودگاه به حال تعلیق درآمد و شهرک‌نشینان صهیونیست مجبور به فرار به پناهگاه‌ها شدند. در نبرد زمینی نیز مقاومت توانست برای اولین بار با اجرای عملیات نفوذ به پایگاه‌های نظامی در عمق شهرک‌های صهیونیستی، تلفات سنگینی به نیروهای صهیونیستی وارد سازد، به طوری که تعداد تلفات این جنگ بیش از چهار برابر جنگ ۳۳ روزه برآورد شده است. در نهایت در تاریخ دوشنبه ۳ شهریورماه (۲۵ اوت) رژیم صهیونیستی با پذیرش آتش‌بس و تسلیم شدن در برابر خواسته‌های مقاومت فلسطینی اقدام به عقب‌نشینی مفتضحانه از مرزهای نوار غزه نمود. رژیم صهیونیستی در این جنگ در حدود ۲۲ هزار بمب معادل ۷ بمب اتم بر سر مردم مظلوم غزه فرود آورد. تعداد شهدای فلسطینی در پایان جنگ ۲۲۳۰ نفر بود که از این میان ۵۷۸ کودک و ۲۶۱ زن به چشم می‌خورد، تعداد زخمی‌ها نیز بیش از ۱۱۰۰۰ نفر برآورد شده است. در این جنگ ۱۸۰۰۰ منزل مسکونی، ۱۷۴ مدرسه از جمله چند مدرسه متعلق به سازمان ملل (آنروا)، ۲۷۰ مسجد و چند بیمارستان و صدها کارخانه و مغازه در غزه تخریب شد. در آن سوی نبرد آمار تلفات صهیونیست‌ها به دلیل

عدم شفافیت به طور دقیق مشخص نیست، ولی صهیونیست‌ها به کشته شدن ۶۷ نظامی و ۵ شهرک‌نشین و اسارت دو سرباز خود به نام‌های «آرون شائول» و «ادیر گلدن» اذعان کردند. میزان خسارت‌های اقتصادی ناشی از جنگ ۵۱ روزه به رژیم صهیونیستی ۵۶۰ میلیون دلار در بخش گردشگری، ۳۷۰ میلیون دلار در بخش صنعتی و ۵۹ میلیون دلار در بخش املاک و مستغلات است (به نقل از ال‌اچ‌وی نیوز. ۹۳/۶/۸).

– دستاوردهای مقاومت

مقاومت و پایداری مردم غزه در خلال ۵۱ روز جنگ نابرابر با رژیم صهیونیستی علی‌رغم تمام خسارات و تلفات انسانی و مادی، بار دیگر ثابت کرد که تنها راه مقابله و موفقیت در کارزار با رژیم کودک‌کش صهیونیستی، مقاومت است. دستاوردهای مقاومت در این جنگ در ابعاد مختلف قابل ارزیابی است که در ادامه به برخی از ابعاد مهم آن اشاره می‌شود.

الف- بعد نظامی: گروه‌های مقاومت فلسطینی شامل گردان‌های عزالدین قسام (شاخه نظامی جنبش حماس)، گردان‌های شهدای الاقصی (شاخه نظامی جنبش فتح)، گردان‌های شهید ابوعلی مصطفی (شاخه نظامی جبهه خلق برای آزادی فلسطین)، گروهان‌های قدس (شاخه نظامی جنبش جهاد اسلامی) و تیپ‌های ناصر صلاح‌الدین (شاخه نظامی کمیته‌های مقاومت مردمی) توانستند در این جنگ با روحیه بالای معنوی و بهره‌گیری از آموزش‌ها و جنگ‌افزارهای نظامی و حمایت‌های مادی و معنوی جریان مقاومت در منطقه نه تنها در دفاع از نوار غزه موفق عمل نمایند، بلکه برای اولین بار مقاومت توانست از حالت دفاعی

به حالت تهاجمی علیه رژیم صهیونیستی تغییر تاکتیک دهد. پرتاب موشک‌های Fajr^۵, M۷۵, R۱۶۰ تا عمق سرزمین‌های اشغالی و هدف قرار دادن شهرهای مهمی چون تل‌آویو (پایتخت رژیم صهیونیستی)، بندر حیفا (شاهرگ اقتصادی و صنعتی رژیم صهیونیستی)، فرودگاه راهبردی بن‌گورین، مراکز حساس و راهبردی از جمله نیروگاه هسته‌ای دیمونا و ساختمان‌های دولتی، قدرت موشک‌های مقاومت را به لحاظ برد و دقت در هدف‌گیری به رخ جهانیان کشید و ناکارآمدی سپر دفاعی گنبد آهنین^۱ را نشان داد. در طول جنگ مقاومت فلسطین بیش از ۴۴۵۰ موشک به سرزمین‌های اشغالی پرتاب کرد، بیش از سه میلیون شهرکنشین صهیونیستی مجبور به فرار به پناهگاه‌ها شدند. بسیاری از شرکت‌های حمل‌ونقل هوایی پروازهای خود به تل‌آویو را به حال تعلیق درآوردند و به همین دلیل خسارت اقتصادی بسیاری به رژیم صهیونیستی وارد آمد. توانایی پرتاب موشک توسط مقاومت فلسطین نه تنها قطع نشد بلکه تا دقایق پایانی قبل از اعلام آتش‌بس ادامه داشت. در صحنه نبرد زمینی مقاومت فلسطین توانست با بهره‌گیری از تاکتیک تونل‌های زیرزمینی، مانع از نفوذ نیروهای ویژه تیپ گولانی^۲ به داخل خاک غزه شود و با به هلاکت رساندن سربازان ارتش صهیونیستی و نابودی تانک‌های پیشرفته مرکاوا و به اسارت گرفتن دو سرباز اسرائیلی شکست تلخی برای ارتش رژیم صهیونیستی رقم زد. برخلاف ادعاهای مقامات رژیم صهیونیستی، استفاده از تونل‌های زیرزمینی توسط رزمندگان مقاومت تا روزهای پایانی نبرد ادامه داشت. برای اولین بار کماندهای ویژه مقاومت توانستند با

^۱ Iron Dome

^۲ Golani

اجرای عملیات آبی- خاکی و نفوذ به شهرک‌های صهیونیستی و حمله به پایگاه‌های نظامی صهیونیستی از جمله پایگاه نظامی «زیکیم» شگفتی دیگری را به فهرست پیروزی‌های خود افزودند. در صحنه دفاع هوایی هم رزمندگان مقاومت توانستند با سرنگون کردن بالگرد آپاچی، پهپادها و جنگنده F۱۶ رژیم صهیونیستی قدرت بالای خود را اثبات کردند. رونمایی و به کارگیری سلاح فوق پیشرفته تک‌تیرانداز موسوم به غول-۲ که نسخه برداری شده از اسلحه ایرانی صیاد-۲ می‌باشد و دارای برد ۱/۵ کیلومتر و کالیبر ۱۴/۵ میلی متر است در روزهای پایانی جنگ و پخش فیلم به هلاکت رسیدن نظامیان صهیونیستی توسط این سلاح، توانست توازن صحنه نبرد را به نفع مقاومت فلسطین تغییر دهد. در مجموع رزمندگان مقاومت اسلامی موفق شدند با بهره‌گیری از توان بالای نظامی خود در طول جنگ، پاسخ محکم و کوبنده‌ای به تجاوز و حشیانه ارتش رژیم صهیونیستی بدهند و نخست‌وزیر متوهم رژیم صهیونیستی را در هدف اصلی خود از آغاز جنگ علیه نوار غزه یعنی خلع سلاح مقاومت ناکام نمایند و هیمنه پوشالی ارتش شکست‌ناپذیر بار دیگر در منطقه به چالش کشیده شود.

ب- بعد سیاسی: علی‌رغم سکوت مجامع بین‌المللی در برابر جنایت‌ها و تجاوزگری‌های رژیم صهیونیستی در جنگ ۵۱ روزه از جمله شورای امنیت سازمان ملل متحد که مهم‌ترین نهاد بین‌المللی مسئول حفظ صلح و امنیت جهانی محسوب می‌شود. همچنین سازمان کنفرانس اسلامی که اساس آن حمایت از فلسطین و آرمان قدس است، کشورهای حامی جبهه مقاومت در منطقه و جهان و همچنین انسان‌های آزادی‌خواه با برپایی تجعدات و راهپیمایی‌های پرشور به خصوص در روز قدس خشم و اعتراض خود را به جنایت‌های رژیم صهیونیستی

در خلال جنگ ۵۱ روزه نشان دادند. در عرصه سیاسی و دیپلماتیک، جمهوری اسلامی ایران به عنوان مهم‌ترین کشور حامی گفتمان مقاومت به رغم وجود مسائل داخلی و منطقه‌ای از جمله بحران عراق و درگیری‌های گروه تروریستی تکفیری داعش در آن کشور، بحران سوریه، لبنان و سایر مسائل مهم منطقه‌ای و بین‌المللی به خوبی توانست از ظرفیت جنبش عدم تعهد که ریاست دوره‌ای آن را بر عهده دارد استفاده کند. رئیس‌جمهور، تماس‌های تلفنی زیادی با سران منطقه و جهان گرفت و پیام‌های زیادی میان وی و همتایانش ارسال شد. وزیر خارجه کشورمان هم با همتایانش این موضوع را پیگیری کرد. سمینار تروئیکای بین‌المجالس با حضور ۳۰ کشور در تهران برگزار شد. کمیته فلسطین جنبش عدم تعهد که ۱۳ عضو دارد در تهران برگزار شد. فرماندهان ارشد نظامی کشورمان هم در پیام‌های جداگانه مقاومت جانانه رزمندگان مقاومت را ستودند که در این میان پیام سردار سرلشکر «قاسم سلیمانی»^۱ موجب دلگرمی مبارزان فلسطینی و تضعیف روحیه صهیونیست‌ها گردید. بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی در خصوص لزوم حمایت از مردم مظلوم فلسطین و ضرورت انکارناپذیر تسلیح کرانه باختری نیز اقدامی بود که پیام خاصی را در دوران اوج کشتار مردم غزه توسط صهیونیست‌ها به همراه داشت، به طوری که بلافاصله پس از پیام معظم‌له شاهد تشدید درگیری‌های جوانان پرشور فلسطینی با پلیس رژیم صهیونیستی بودیم. به واسطه همین حمایت‌ها و پشتیبانی‌ها بود که نمایندگان مقاومت

۱ پایگاه خبری آمریکایی «دیلی بیست»: «سردار سرلشکر قاسم سلیمانی فرمانده ارشد سپاه پاسداران ایران و از فرماندهان راهبردی جمهوری اسلامی شخصی است که بسیاری از مقام‌های آمریکایی او را خطرناک‌ترین دشمن آمریکا در کره زمین می‌دانند».

توانستند در مذاکرات آتش‌بس با طرف صهیونیستی که با میانجی‌گری مصر صورت گرفت برای اولین بار شروطی را به رژیم صهیونیستی تحمیل کنند که در تاریخ جنگ‌های اعراب و اسرائیل بی‌سابقه است و رژیم صهیونیستی که در صحنه نبرد نتوانست به اهداف از پیش تعیین‌شده دست یابد از سر استیصال مجبور به پذیرش خواسته‌های مقاومت شد.

مهم‌ترین شروط مقاومت فلسطین عبارتند از: پایان محاصره غزه پس از ۸ سال، باز شدن تمامی گذرگاه‌های مرزی، تأمین امنیت ورود و خروج افراد و کالاها به غزه، آزادی صید و ماهی‌گیری در آب‌های بین‌المللی، پایبندی رژیم صهیونیستی به اجرای کامل توافق اسرا و ایجاد فرودگاه و بندر در غزه.

ج- بعد رسانه‌ای: رژیم صهیونیستی با بهره‌گیری از قدرت رسانه‌ای نظام سلطه در جهان تلاش کرد تا جنایت‌های خود را در سکوت خبری انجام دهد؛ بنابراین انتخاب زمان حمله با برگزاری مسابقات فوتبال جام جهانی ۲۰۱۴ برزیل و حملات گروه تروریستی - تکفیری داعش به عراق یک برنامه هماهنگ و از قبل طراحی‌شده بود، اما رسانه‌های جریان مقاومت و رسانه‌های مستقل توانستند با عملیات عظیم رسانه‌ای، جریان یک‌سویه و تبلیغاتی غول‌های رسانه‌ای غربی و صهیونیستی را بر هم زده و نقش اساسی را در افشای جنایت‌های رژیم صهیونیستی و به تصویر کشیدن قدرت مقاومت در خلال جنگ ۵۱ روزه نشان دهند. ارسال گزارش‌ها و اخبار لحظه به لحظه و مستمر از قتل عام وحشیانه زنان و کودکان غزه در زیر مو شک باران بی‌امان رژیم صهیونیستی از سوی گزارشگران رسانه‌های حامی مقاومت فلسطین، علی‌رغم تهدیدات‌های مستقیمی که علیه خبرنگاران وجود داشت در بروز این پیروزی بزرگ رسانه‌ای نقش اساسی را ایفا

نمود. همچنین بهره‌گیری میلیون‌ها نفر در سراسر جهان از ظرفیت شبکه‌های اجتماعی نظیر یوتیوب، فیس‌بوک و توییتر که اساساً رسانه‌های در خدمت نظام سلطه هستند به خوبی توانست به انتقال آزاد جریان رسانه‌ای کمک نموده و پیام مظلومیت مردم بی‌دفاع غزه به دنیا ارسال شود که نمود آن را در قالب برگزاری راهپیمایی‌های اعتراضی به جنایت‌های رژیم کودک‌کش صهیونیستی و حامیان منطقه‌ای و جهانی آن در طول ۵۱ روز جنگ غزه در چهار گوشه دنیا شاهد بودیم.

– سخن پایانی

نوار پیروزی‌های رژیم صهیونیستی از سال ۲۰۰۶ و شکست مفتضحانه این رژیم در جنگ ۳۳ روزه از حزب‌الله لبنان جای خود را به شکست داده است و مقاومت فلسطینی در غزه توانسته تلخی طعم این شکست‌ها را در جنگ‌های ۲۲ روزه (۲۰۰۸-۲۰۰۹)، جنگ ۸ روزه (۲۰۱۲) و جنگ اخیر در کام صهیونیست‌ها به طور مکرر بپشاند. گفتمان مقاومت در حال حاضر گفتمان غالب در بین گروه‌های مختلف فلسطینی فارغ از اختلافات حزبی و فرقه‌ای است و همگان اذعان دارند که گفتگوهای صلح هیچ یک از منافع ملت فلسطین را تضمین نکرده است و تنها راه تأمین عزت و امنیت آنها مقاومت است. نکته حائز اهمیت تأکید بر آزادسازی قدس شریف و اصرار بر وحدت ملی است که به طور مشترک در بیانیه‌های پیروزی گروه‌های مقاومت به چشم می‌خورد. نکته بعدی تشکر سران و فرماندهان گروه‌های مقاومت از حامیان منطقه‌ای خود به ویژه جمهوری اسلامی ایران است: «... خداوند شهادت می‌دهد و تاریخ گواه است که اگر حمایت

جمهوری اسلامی از مقاومت در منطقه و نه فقط در فلسطین، در طول ۲۰ سال گذشته نبود، مقاومتی که امروز می‌بینیم وجود نداشت و ملت فلسطین قادر به استقامت نبود و چه بسا موضع سازش مسأله فلسطین از روز امضای توافق اسلو تمام شده بود و عملیات سازش به اجرا گذاشته و رژیم اسرائیل نفوذ و هیمنه خود را در منطقه گسترش داده بود، اما به یاری خدا اینک مقاومت وجود دارد و جنبش ملت فلسطین و مقاومت حضور دارند و حمایت مالی و معنوی جمهوری اسلامی ایران سنگ بنای این روایت است^۱.

در پایان به بخشی از بیانات امام خامنه‌ای (مدظله‌العالی) اشاره می‌شود که به خوبی نقشه راه مقاومت را برای آینده ملت فلسطین ترسیم نموده است: «... نجات فلسطین با در یوزگی از سازمان ملل یا از قدرت‌های مسلط و به طریق اولی از رژیم غاصب به دست نمی‌آید، راه نجات فقط ایستادگی و مقاومت است، با توحید کلمه فلسطینیان و کلمه توحید که ذخیره بی‌پایان حرکت جهادی است. ارکان این مقاومت، از سویی گروه‌های مجاهد فلسطینی و آحاد مردم مؤمن و مقاوم فلسطین در داخل و خارج آن کشورند؛ و از سویی دیگر، دولت‌ها و ملت‌های مسلمان در سراسر جهان، به ویژه عالمان دینی و روشنفکران و نخبگان سیاسی و دانشگاهیان. اگر این دو رکن مستحکم در جای خود قرار گیرند، بی‌شک وجدان‌های بیدار و دل‌ها و اندیشه‌هایی که افسون تبلیغات امپراتوری خبری استکبار و صهیونیزم، آنها را مسخ نکرده، در

۱ مصاحبه دکتر رمضان عبدالله شلح، دبیر کل جنبش جهاد اسلامی فلسطین با شبکه خبر. ۹۳/۰۶/۱۶

هر نقطه عالم به یاری ذی حق و مظلوم خواهند شتافت و دستگاه استکبار را در برابر طوفانی از اندیشه و احساس و عمل قرار خواهند داد.^۱

۱ بیانات در چهارمین کنفرانس حمایت از ملت فلسطین. ۸۷/۱۲/۱۴

هدایت و صیانت از دولت یازدهم

دکتر مهدی بهشتی‌نژاد

فارغ از اینکه بیانات ارزشمند رهبر فرزانه انقلاب اسلامی در جمع اعضای هیأت دولت یازدهم در شهریور ۱۳۹۳ را توصیه و یا خط‌مشی و جهت‌دهی بنامیم، بدون توجه به سخنرانی‌ها و یا بیان دیدگاه‌های معظم‌له از سال ۱۳۹۲ تاکنون نمی‌توان تبیین نسبتاً جامعی از فرمایشات اخیر ایشان ارائه داد؛ بنابراین ضرورت دارد ابتدا به اهمیت این سخنان در راستای وظایف قانونی معظم‌له اشاراتی اجمالی داشته باشیم:

۱. معظم‌له در حکم تنفیذ ریاست محترم جمهور به دو فراز برجسته اشاره دارد که برای همه علاقه‌مندان به نظام جمهوری اسلامی اعم از هر نوع فکر و سلیقه سیاسی، پندآموز و محور تعمق و تفکر خواهد بود. ایشان در فرازی می‌فرمایند:

«مشارکت گسترده مردم و برگزیدن منتخب شایسته‌ای که آزمون بیش از سه دهه خدمت به نظام جمهوری اسلامی در کارنامه خود نگاشته و از دوران مبارزات انقلابی تا دهه‌ها پس از پیروزی انقلاب از سنگر روحانیت به مقاومت در برابر دشمنان انقلاب پرداخته است پیام‌هایی روشن به همه رسانید؛ پیام وفاداری خدشه‌ناپذیر به انقلاب؛ پیام اعتماد و امید به نظام جمهوری اسلامی؛ پیام اعتماد به روحانیت شجاع و پیشرو؛ و اعتماد به خدمتگزارانی که با همت و ابتکار خود برآند که بر موفقیت‌ها افزوده و از مشکلات بکاهند».

رهبر فرزانه انقلاب در فرازی دیگر می‌فرمایند:

«اکنون که رأی قاطع ملت ایران شخصیتی دانشمند و کارآزموده میدان‌های گوناگون و دارای سوابق جهادی متعهد و مفتخر به حضور در مسئولیت‌های دینی و سیاسی را به مدیریت اجرایی کشور برگزیده است، اینجانب نیز به پیروی از آنان و همراه با تبریک به ایشان رأی ملت را تنفیذ و جناب حجت‌الاسلام آقای دکتر روحانی را به ریاست جمهوری اسلامی ایران منصوب می‌کنم».

این دو فراز حائز چند نکته اساسی است:

۱. بیان صریح ویژگی‌های فوق از سوی رهبر فرزانه انقلاب در حکم تنفیذ که سندی ماندگار و مشروعیت‌بخش است به اکمال بر اساس صداقت و باور معظم‌له است و جای هیچ توجیه و یا تحلیل دیگری باقی نمی‌گذارد.

۲. اشاره معظم‌له به پیام‌های این انتخاب از جمله وفاداری به انقلاب، اعتماد و امید به نظام، به روحانیت و به خدمتگذاران همه مهم‌ترین سرمایه اجتماعی، دینی و انقلابی ماست؛ بنابراین همه موظف به کمک به این دولت برای حفظ این سرمایه عظیم هستند.

۳. جناب آقای دکتر روحانی از جمله شخصیت‌های نظام هستند که زوایای پنهانی برای رهبر فرزانه انقلاب ندارند؛ بنابراین ایشان کاملاً به ظرفیت‌های وجودی ایشان در زمینه‌های فردی، اجتماعی، علمی و اجرایی واقف بوده و کار با این دولت برای رهبر معظم انقلاب به مراتب آسان خواهد بود؛ زیرا ابهامی در اشرف اطلاعاتی ایشان وجود ندارد.

۴. دکتر روحانی رئیس جمهور محترم همچون رؤسای جمهور گذشته با رأی مردم انتخاب و با حکم رهبر معظم انقلاب اسلامی منصوب شده‌اند. این انتصاب

حاوی ولایت‌پذیری از سوی ریاست محترم جمهور و صیانت و هدایت از سوی رهبر فرزانه انقلاب اسلامی است. بر همین اساس از آنجا که رهبر معظم انقلاب فرآیند مراحل رشد نظام را ایجاد انقلاب، نظام‌سازی، دولت‌سازی، جامعه اسلامی و تمدن اسلامی بر شمرده‌اند، همه دولت‌ها از جمله دولت یازدهم می‌بایست جایگاه خویش را در طی شدن این فرآیند مشخص نمایند و از آنجا که به تعبیر رهبر معظم انقلاب اسلامی در حال ایجاد دولت اسلامی هستیم، این امر رسالت دولت یازدهم را به مراتب مهم‌تر نشان می‌دهد.

۵. معظم‌له در شهریور ۱۳۹۲ شاخص‌های اساسی دولت اسلامی را خطاب به اعضای کابینه دولت یازدهم اینگونه یادآور شدند:

- اولین شاخص اعتقادی و اخلاقی است؛ سلامت اعتقادی، سلامت اخلاقی، سلامت عملکردی که از اعتقاد درست و نگاه درست به حقایق جامعه ناشی می‌شود، که از مصادیق مهم آن اعتماد به خدای متعال و نصرت الهی است.

- شاخص دوم، مسأله خدمت به خلق است؛ روحیه خدمت، که این گفتمان اصلی دولت اسلامی همین خدمت است؛ اصلاً فلسفه وجود ما جز این نیست؛ ما آمده‌ایم خدمت کنیم به مردم و هیچ چیز نباید ما را از این وظیفه غافل کند. (جلوگیری از حاشیه‌سازی برای ممانعت از خدمت، فرصت خدمت را محدود شمردن، جهادی کار کردن، قانونی کارکردن همه از جمله الزامات این شاخص است.)

- شاخص سوم، مسأله عدالت است. (معتقد نیستیم به پیشرفت بدون عدالت. پیشرفت بدون عدالت همان نتیجه‌ای را خواهد داد که شما از تمدن پرجلوه غرب، امروز دارید شاهد می‌کنید...)

- شاخص چهارم، سلامت اقتصادی و مبارزه با فساد است.
- شاخص پنجم، مسأله قانون‌گرایی است. خب قانون‌گرایی خیلی مهم است. قانون ریل است؛ از این ریل اگر چنانچه خارج شدیم، حتماً آسیب و صدمه است.
- شاخص ششم، مسأله حکمت و خردگرایی در کارها است؛ کار کارشناسی، مطالعه درست، ملاحظه جوانب و آثار و تبعات یک اقدام، و حتی گاهی ملاحظه تبعات یک اظهارنظر.
- شاخص هفتم، تکیه به ظرفیت درون‌زای کشور است؛ نگاه‌مان به بیرون نباشد. این، توصیه ما است؛ این معنایش این نیست که از امکاناتی که در بیرون هست استفاده نکنیم؛ این دو حرف با هم اشتباه نشود. امیدمان را به بیرون از ظرفیت داخلی کشور ندوزیم.
- مجموعه ویژگی‌ها و ظرفیت‌های رئیس‌جمهور محترم از یک سو و شاخصه‌های دولت اسلامی از سوی دیگر، ضلع سوم را می‌سازد که می‌توان آن را مطالبات رهبر معظم انقلاب اسلامی و مردم مسلمان ایران و دنیای اسلام بر شمرده؛ بنابراین بر شمردن ۱۵ توصیه یا جهت اساسی برای حرکت درست دولت یازدهم در این مقطع حساس تاریخی که جهان شاهد ایجاد نظم جدیدی از جمله در دنیای اسلام است، مطالباتی به حق و دقیق، حتی برای سایر قوا، نهادها و سازمان‌های دیگر در درون نظام خواهد بود.
- از میان توصیه‌های ۱۵ گانه رهبر معظم انقلاب به دولت یازدهم برخی موارد مرتبط با شاکله درونی دولت است که نیازمند توجه جدی اعضای دولت و از جمله رئیس‌جمهور محترم برای هماهنگ‌سازی می‌باشد. از جمله این موارد

یک‌صدایی و انسجام درونی دولت، عبور از جناح‌بندی‌ها و قطب‌بندی‌های مصنوعی و حاشیه‌سازی‌های بی‌مورد، آرامش و سعه‌صدر در قبال انتقادهای، رعایت انصاف نسبت به عملکرد دولت‌های گذشته می‌باشد که این امور نیازمند عزم اعضای دولت برای رهایی از مشکلاتی است که می‌بایست از درون درمان شود. برخی از توصیه‌های مذکور ارتباط تنگاتنگی با مسائل اساسی مردم دارد و می‌توان آنها را در زمره حقوق و مطالبات مردم دانست؛ از جمله: آرامش فضای ذهنی مردم که گاه با بی‌توجهی به خطوط قرمز از سوی اعضای دولت از جمله بحث فتنه و فتنه‌گران و یا بی‌توجهی وزرای عرصه فرهنگ به باورها و ارزش‌های اساسی مردم می‌شود مرتبط دانست. برخی از توصیه‌ها به متن زندگی مردم مرتبط است؛ از جمله:

- ✓ کار و فعالیت و خدمت مستمر به مردم،
 - ✓ پشتیبانی از طرح نظام سلامت،
 - ✓ تکیه بر توان و ظرفیت‌های داخلی و حمایت از تولید،
 - ✓ توجه ویژه به بخش کشاورزی و صنایع تبدیلی در روستاها،
 - ✓ اهمیت ویژه بخش معدن و ارزش افزوده و اشتغال‌زایی این بخش،
 - ✓ پرهیز از واردات بی‌رویه و تأثیر منفی آن بر تولید داخلی،
 - ✓ ادامه پرشتاب رشد علمی کشور و حمایت از شرکت‌های دانش‌بنیان و نقش تعیین‌کننده تحقیقات کاربردی و تحقیقات بنیانی،
 - ✓ حل مشکل آب کشاورزی
 - ✓ و توجه جدی برای تکمیل مسکن مهر.
- بخش دیگر توصیه‌ها ناظر به شرایط منطقه و جهان است که با توجه به

الهام بخشی و تأثیرگذاری انقلاب اسلامی و نظام جمهوری اسلامی انتظار از دولت های مستقر این است که به صورت فعال و به دور از مصلحت گرایی های فاقد عزت و حکمت عمل نمایند از جمله: موضع گیری صریح و قاطع در قبال مسائل منطقه ای و بین المللی.

نکته انتقادی در این زمینه، تبریک دیر هنگام به بشار اسد رئیس جمهور سوریه بود که زیر فشار مضاعف جبهه ضد مقاومت توسط مردم آن کشور انتخاب شد و همچنین نخست وزیر شیعی دولت عراق که در شرایط بسیار سخت و علی رغم خواست غرب، ائتلاف ارتجاع عربی، صیهونیستی، تکفیری، بعثی داعشی محقق شد. این دو از مصادیق بارز عمل دیر هنگام دولت نظام جمهوری اسلامی در این زمینه می باشد.

نتیجه اینکه دولت یازدهم، دولت نظام جمهوری اسلامی است، برآمده از رأی ملت مسلمان ایران که مشروعیت خویش را از رهبر معظم انقلاب کسب می نماید. ایشان بر اساس وظیفه شرعی و قانونی هدایت و صیانت از این دولت را همچون گذشته وظیفه الهی خود دانسته و بر همین اساس همه انسان های ولایت مدار که دل در گرو اعتلای دولت اسلامی دارند می بایست ضمن توجه به مطالبات به حقی که از سوی معظم له طرح شده است به دولت کمک نمایند و دولت نیز قدر و منزلت این حمایت همه جانبه را همراه توصیه های مذکور، پاس بدارد. و اعتدال نیز در چنین فضایی شکوفا می شود و ثمره مطلوب می دهد؛ زیرا افزایش حمایت رهبر معظم انقلاب، مردم مسلمان ایران و امت اسلامی در دنیای اسلام سرمایه بزرگی برای دولت یازدهم خواهد بود. ان تنصرا... ینصرکم و یثبت اقدامکم.

نقش غرب و آمریکا در به وجود آمدن داعش

علی آزرمی^۱

مقدمه

شرک آن است که افرادی آلت دست سیاست‌های سرویس‌های جاسوسی انگلیس و آمریکا شوند و با اقدامات خود مسلمانان را غم‌دار کند (مقام معظم رهبری).

روزها و ماه‌های مدیدی است سیاه‌پوشانی وحشت‌پراکن با بیرقی سیاه که مدعی خلافتی تازه در سرزمین‌های بحران‌زده سوریه، عراق و لبنان تا اندلس هستند نه تنها خواب آرام را از ساکنان این سرزمین‌ها ربوده‌اند، بلکه چون جلادانی بی‌رحم به هیچ کس اعم از شیعی، سنی، عرب، کُرد، ترکمن، مسیحی و ... رحم نمی‌کنند و گلوی مخالفان را به سادگی آب خوردن از دم تیغ نابکارشان می‌گذرانند، زنان را چونان برده از آن خود کرده، در بازار به فروش می‌رسانند، کودکان را زنده به گور می‌کنند و افرادی را که به بیعت خلیفه خود خوانده که ویژگی بارزش خونخواری است نیامده باشند در وسط میدان گردن می‌زنند و به راستی همچون رنگ بیرقشان تنها سیاهی به ارمغان این مردم ستمدیده آورده‌اند. آری غرب آسیا این روزها کم درد نداشته و غم‌های فلسطین و غزه و جنایت‌های تکفیری‌ها در سوریه کم نبوده است که فجایع شنگال، تلعفر، موصل، کوبانی و

^۱ - دانشجوی دکتری علوم سیاسی، دانشگاه اصفهان

آمرلی در عراق به زخم‌های تازه و عمیق‌تری برای افزایش درد این منطقه بحران‌زده تبدیل شده‌اند. دشمنان اسلام همواره دنبال این بوده‌اند که یک عامل ضد وحدت را به جهان اسلام تزریق کنند یا اینکه در بدنه جهان اسلام رخوتی ایجاد کنند. بهترین گزینه برای این منظور آن بوده که آدم‌هایی از جنس خود مسلمان‌ها را به میدان مقابله بیاورند. چون اگر از خارج یک عامل نامطلوب را مطرح کنند، مسلمانان به آسانی و با استحکام بیشتری مقاومت نشان می‌دهند. سوءاستفاده از اختلافات فکری و اعتقادی مذاهب گوناگون اسلامی و اختلاف‌افکنی بین آنان همواره یکی از برنامه‌های ثابت استعمارگران و مستکبران برای تضعیف جهان اسلام و کسب منافع نامشروع بوده است. در این یادداشت تلاش می‌کنیم تا نقش غرب و نظام سلطه از جمله آمریکا را در به وجود آمدن تروریست‌های تکفیری-بعثی داعش و حمایت‌های بی‌دریغشان از این جریان‌های خونخوار مرور کنیم.

حمایت آمریکا از گروه‌های تروریستی

با فروپاشی بلوک شرق، و پس از یازدهم سپتامبر، ایالات متحده با مطرح کردن خطر جدی تروریسم، درصدد برآمد خلأ ناشی از فقدان ایدئولوژی کمونیسم را با تهدید تروریسم جبران کند و از این طریق به اهداف و امیال توسعه‌طلبانه خود در دیگر کشورها مشروعیت بخشد. اما نباید فراموش کرد که یکی از مهم‌ترین مصادیق نقض حقوق بشر که به صورت مستقیم و غیرمستقیم توسط آمریکا هدایت می‌شود، نقش این کشور در شکل‌گیری گروه‌های تروریستی و سپس حمایت از آنان در راستای منافع و اهداف آمریکا در سایر

مناطق جهان است. در این زمینه می‌توان به موارد متعددی به ویژه نقش آمریکا در شکل‌گیری القاعده و یا به نقش آمریکا در ایجاد و تقویت گروه‌های تروریستی داعش و ... اشاره کرد. القاعده پیمانکار آمریکا در جهان اسلام است. حمایت‌های گاه و بیگاه و آشکار و پنهان آمریکا از گروه‌های مسلح القاعده و شبه نظامیان تروریست در کشورهای اسلامی و بازگذاشتن دست آنها در مناطقی مانند سوریه و عراق، نشان می‌دهد که هر جا منافع آمریکا ایجاب کند، از طریق گروه‌های تروریستی اقدامات مختلفی را انجام می‌دهند.

حال امروز آمریکا و هم‌پیمانانش با تغییر نام گروه‌های تروریستی از القاعده به داعش، النصره و ده‌ها عنوان دیگر برآند تا پرونده سیاه خود در ایجاد و حمایت از گروه‌های تروریستی را پنهان سازند. آنها با ادعای فقدان ارتباط با گروه‌های جدید تروریستی به دنبال فریب افکار عمومی از جنایات خود هستند. اما مدت‌هاست این موضوع روشن شده که دو گروه جنایتکار تکفیری- تروریستی یعنی داعش و جبهه النصره در ارتباط نزدیک با گروه القاعده هستند که مورد حمایت آمریکا نیز می‌باشند.

نقش غرب و آمریکا در به وجود آمدن داعش و حمایت از تکفیری‌های

تروریست

گروه جنایتکار داعش از بی‌رحم‌ترین تروریست‌های حاضر در سوریه و عراق هستند به حملات وحشیانه خود در عراق و سوریه ادامه می‌دهند. حملاتی که هدف آن ایجاد رعب و وحشت و اشغال شهرهای مختلف عراق در راستای اهداف کلان ایالات متحده آمریکا و هم‌پیمانانش است. این تروریسم که در سطح

بین‌المللی اقدامی برای توقف آن انجام نشده، محاکمه نشده و در عوض، در بسیاری از حالات هم از وتو برای جلوگیری از محکومیت آن در سازمان ملل متحد استفاده شده است، حال عملکرد شورای امنیت سازمان ملل را نیز (که تحت نفوذ آمریکا می‌باشد) زیر سؤال برده است و این موضوع تا حد زیادی بیانگر حداکثر تسامح در مواجهه با تروریسم در عراق است. در چند سال گذشته، داعش از حامیان غربی خود و بویژه آمریکا سلاح‌ها و تجهیزات بسیار پیشرفته‌ای دریافت کرده است که این سلاح‌ها به عراق منتقل شده‌اند. نیروهای جنایتکار داعش، در چند سال گذشته در اردن، ترکیه و پاکستان توسط افسران سازمان «سیا» و «موساد» آموزش دیده‌اند و در سه سال گذشته در سوریه تجربه کافی کسب کرده‌اند و در نیمه دوم سال ۲۰۱۳ وارد کشور عراق شدند. ادوارد اسنودن، همکار سابق سازمان اطلاعات و امنیت ایالات متحده (CIA) و افشاگر جنجالی اطلاعات محرمانه آمریکا نیز چندی پیش، از وابستگی داعش به رژیم صهیونیستی پرده برداشت و طی اظهاراتی اعلام کرد: ابوبکر البغدادی رئیس گروه تروریستی داعش، به مدت یک سال کامل نزد موساد (سازمان اطلاعات رژیم صهیونیستی) آموزش دیده است. اسنودن در ادامه این اظهاراتش که منتشر شده است، گفت: «در واقع سازمان CIA و MI۶ و سازمان موساد، به وجودآورنده گروهک داعش بوده‌اند».

آمریکا، انگلیس و رژیم صهیونیستی با به وجود آوردن داعش تلاش کرده‌اند که همه تروریست‌های جهان را زیر پرچم یک گروهک جمع کنند تا بتوانند راحت‌تر آنان را هدایت و مدیریت کنند و از طریق آن به اهداف خود دست یابند. البته اصلی‌ترین هدف آنها از به وجود آوردن داعش، حفظ امنیت رژیم

صهیونیستی بوده است. آنها از طریق داعش، با هر خطری که سرزمین‌های اشغالی را تهدید می‌کند، مبارزه و مقابله می‌کنند؛ البته با چهره و ظاهری به اصطلاح اسلامی. در واقع تنها راه حفظ امنیت صهیونیست‌ها، به وجود آوردن دشمن مثلاً خودی یعنی داعش در نزدیکی سرزمین‌های اشغالی بوده تا از طریق این دشمن، با دشمنان واقعی صهیونیست‌ها مقابله شود. آمریکایی‌ها حال و به دروغ، به گونه‌ای از خطر داعش حرف می‌زدند که گویی داعش یک‌روزه به وجود آمده است. حال آنکه فجایع انسانی و جنایات داعش در منطقه آمرلی و سکوت کشورهای غربی در برابر فاجعه انسانی روی داده در این منطقه، نمودی عینی از بی‌تفاوتی آمریکا و هم‌پیمانان غربی آن به حقوق انسان‌ها به رغم ادعاهای حقوق بشری آنها و به وضوح بیانگر این موضوع است که آمریکا و غرب صرفاً برای حفظ منافع خود و اتباعشان به حوزه‌های جدید وارد می‌شوند یا در برابر مسائل جهانی واکنش نشان می‌دهند. در سیاست کلان ایالت متحده، منطقه‌ای که در آن منافع آمریکا تهدید نشود و اتباع آمریکا و اروپا در آن ساکن نباشند به ویژه اگر مسلمان و شیعه نیز باشند باید مورد بی‌مهری و بی‌توجهی نظام بین‌الملل و جامعه جهانی قرار گیرد.

بنابراین می‌توان این چنین گفت که داعش از زیر زمین سبز نشده است، آنها نیاز به پول، اسلحه، پشتیبانی لجستیک، تشکیلات تبلیغاتی و ارتباطات بین‌المللی داشتند تا به این حد از تشکیلات و توانایی کشتار دست یابند. این موارد از کجا آمده‌اند؟ این بر کسی پوشیده نیست که عربستان سعودی، قطر و دیگر شیخ‌نشین‌های عرب که جیبشان از پول نفت انباشته است، در کنار اتحادیه اروپا و آمریکا در تمام مدت از داعشی‌ها حمایت می‌کرده‌اند.

فرجام سخن اینکه، بهترین چاره برای غرب در حال حاضر، آموختن درسی است که هر کودکی پیش از رسیدن به دوران بزرگسالی می‌بایست بیاموزد: هر عملی عواقبی دارد. این درس در غرب آسیا تنها می‌تواند یک معنا برای غرب و نظام سلطه داشته باشد: وارد این منطقه نشویم، نه اکنون و نه در آینده. و بهتر از آن اینکه رهبر معظم انقلاب اسلامی در دیدار امیر کویت با ایشان، درباره عواقب حمایت از تفکر تکفیری به حامیان آنها هشدار دادند و اشاره نمودند که در آینده این گروه‌ها بلای جان حامیان خود خواهند شد.